

با پایان پروژهٔ غزه، نتانياهو وارد کرانهٔ باختری می‌شود؟ چه چیزی در انتظار اوست؟

کران به کران باتلاق



سید مهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

جنگ در غزه متوقف شده اما همه می‌دانند رژیم صهیونی با وجود تمام خسارت‌ها در شرایطی نیست که قادر به پایان «جنگیدن» باشد. فشار داخلی از سمت احزاب راست افراطی، خطر تقویت راهکار دودولتی و احتمال بروز تغییرِ زبان‌بار در بطن تحولات منطقه علیه رژیم، باعث شده و می‌شوند تا تل آویو جنگ را در هر صحنه‌ای که در دسترس قرار گیرد، پیگیری کند. صهیونیست‌ها تحت‌فشار شدید روانی «جنگیدن» را راهکار می‌دانند.

براین اساس کارشناسان دو سؤال را مطرح می‌کنند؛ تل آویو چه زمانی جنگ در غزه را دوباره از سر می‌گیرد و یا چه کشوری طعمه بعدی است؟ ازاین رو با گذشت به جنگ غزه یا حمله به لبنان، عراق یا یمن محتمل هستند.

در این میان گزینه دیگری نیز وجود دارد؛ نقطه‌ای که نه غزه است و نه کشوری دیگر. در همین راستا کریم جبران، مدیر پژوهش‌های میدانی در سازمان حقوقی «بتسيلم» می‌گوید: «صحبت درباره توقف جنگ در غزه به معنای پایان تجاوز رژیم صهیونیستی نیست. کرانه باختری هر روز در معرض خشونت‌های سیستماتیک و تنش‌های مستمر است.»

همچنین «فیصل الجبیلی»، تحلیلگر و متخصص امور رژیم صهیونیستی معتقد است: «ارتش رژیم اشغالگر استقرار نیروهای خود را بعد از توقف جنگ غزه از سر خواهد گرفت و یگان‌های بزرگی را به کرانه باختری برای کنترل بر اوضاع میدانی منتقل خواهد کرد.»

طعمه بعدی

گفته می‌شود بعد از غزه، احتمال بالایی در خصوص انتقال میدان درگیری به کرانه باختری وجود دارد. کرانه در کنار لبنان، عراق و یمن جبهه‌های محتمل بعدی هستند.

- اقدامات نظامی در کرانه باختری معنای جنگ و گسترش آن را نمی‌دهد

گرداندن جهت ارتش رژیم صهیونی به هر سمت به معنای آغاز جنگ تعبیر می‌شود. این در حالی است که به دلیل نوع استقرار، اقدامات و عملیات‌های دوره‌ای، رژیم می‌تواند بدون آنکه تعبیری از جنگ و گسترش آن به وجود آید، کرانه باختری را طعمه جنگ کند. فشارهای افکار عمومی جهانی به دلیل جنایت در غزه و فشار دولت‌های منطقه پس از تلاش برای گسترش جنگ و حمله به دوحه، علیه تل آویو مؤثرتر شده‌اند.

تقویت بی‌وقفه

درحالی‌که غزه ضربه خورده، تقویت کرانه بی‌وقفه ادامه داشته است. حتی در اوج جنگ و با وجود سقوط سوریه، تلاش شده توان تحرکات نظامی در کرانه ارتقا یابد. از نظر کارگاه‌های ساخت سلاح، تأمین آن‌ها از محیط فلسطین اشغالی و قاچاق از اردن، تسلیح مقاومت در کرانه مداوم بوده است.

پاکیز در هر جنگ

در هر جنگ رژیم علیه محور مقاومت، کرانه باختری یک گزینه قابل فعال‌سازی توسط مقاومت است. به‌زعم صهیونیست‌ها اگر آن‌ها بخواهند در جنگ‌های محتمل آتی دست به اقدامات حداکثری بزنند، باید کرانه را خشی کنند.

کسب رضایت افراطی‌ها بعد از توقف جنگ در غزه

ایتمار بن گویر وزیر امنیت داخلی و بتزلل اسموئیلج وزیر دارایی به‌عنوان دو ستون از سه ستون دولت در کنار نتانياهو، خواهان سرنگونی او در پی توقف جنگ در غزه‌اند. راهکار فوری و طولانی مدت برای آرام نگاه‌داشتن آن‌ها، تحرک در کرانه است. پایگاه‌رأی و محل زندگی این دو نیز در همین منطقه واقع شده است.

تنها پاشنه آشیل جغرافیایی

تنها منطقه‌ای که فعالیت در آن رژیم را در مسیر فروپاشی قرار می‌دهد کرانه است. واقع‌شدن اماکن مقدس، منابع آب، نقاط کوهستانی، زمین‌های کشاورزی مرغوب، گذرگاه‌های زمینی اصلی به همراه اتصال جغرافیایی و جمعیتی به ساحل غربی، کرانه را به پاشنه آشیل رژیم تبدیل کرده است.

کانون راهکار دودولتی

نقطه کانونی راهکار دودولتی که خطر آن علیه رژیم پررنگ شده است،

کرانه باختری به شمار می‌آید. کشور فلسطینی بدون غزه قابل تشکیل است؛ اما بدون کرانه چنین اتفاقی امکان پذیر نیست.

سالم ماندن نسبی کرانه باختری

پس از فعال‌شدن جمعیت فلسطینی سرزمین ۱۹۴۸ در جنگ سیف القدس در سال ۲۰۲۱، رژیم دست به سرکوب زد. در نتیجه در جنگ طوفان الاقصی اتفاق مشابهی رخ نداد. همچنین پس از ۷ اکتبر، غزه به‌شدت تحت‌فشار قرار گرفت. هر چند این دو بخش کماکان قادر به اجرای عملیات‌ها هستند، اما قابلیت‌های کامل پیشین را ندارند. در مقابل کرانه گرچه زیر فشار عملیات‌های گسترده و پیوسته قرار داشته است؛ اما توانمندی‌های خود را حفظ کرده است.

بیمه‌کردن کرانه در برابر شرایط مرگ محمود عباس

آمریکا و رژیم صهیونی احتمال فروپاشی تشکیلات خودگردان در صورت مرگ محمودعباس ریاست آن را در نظر گرفته‌اند. تقویت جانشینان او، تلاش برای ضربه به مقاومت و همچنین تهدید فلسطینی‌ها به از دست دادن اختیارات نیم‌بندی که از طریق تشکیلات در دست آن‌هاست، برخی اقدامات برای مهار پیامدها تلقی می‌شوند.

اتصال به جمعیت فلسطینی و اسلامی

نوار غزه به صحرای سینا در مصر متصل است که سرزمینی کم جمعیت به حساب می‌آید. در مقابل در اردن و در مجاورت کرانه ۱۱ میلیون نفر حضور دارند که نیمی از آن‌ها فلسطینی‌نبارند. اتصال جمعیتی به اردن باعث شده کرانه باختری ظرفیت بالایی داشته باشد. اگر اوضاع در اردن دچار فروپاشی شود، این کشور در دسترس گروه‌های فلسطینی قرار گرفته و برای مقاومت عراق جهت دسترسی به فلسطین قابل عبور خواهد بود.

نکات

درباره تحولات کنونی نکات ذیل حائز اهمیت هستند.

- طبق آرای‌های ه‌مچنان غزه، کرانه باختری و فلسطینی‌های سرزمین ۱۹۴۸ قابلیت تحرکات دسته‌های شبه‌نظامی را دارند.
- غزه آسیب‌دیده، تعداد زیادی از فرماندهان و نیروها به شهادت رسیده‌اند؛

هدف از حملهٔ مسلحانه به خودروی مهندسان پروژهٔ انتقال آب در سیستان و بلوچستان چیست؟

تروریسم علیه توسعه

گروهک‌های تروریستی جنوب شرق بار دیگر نشان دادند که حیانتشان به فقر و عقب‌ماندگی سیستان و بلوچستان گره خورده است. شامگاه یکشنبه در محور زاهدان – خاش، گروهی از افراد مسلح ناشناس به خودروی مهندسان پروژه انتقال آب از چابهار به زاهدان حمله کردند و خودرو را به آتش کشیدند. بنا بر گزارش رسانه‌های رسمی، خوشبختانه سرنشینان خودرو سلامت هستند، اما این اقدام بار دیگر بحث تهدیداتی را که متوجه پروژه‌های توسعه‌ای و نیروهای عمرانی در جنوب شرق کشور است به میان آورد.

حمید نوری، فرمانده انتظامی زاهدان اعلام کرد مأموران بلافاصله پس از اطلاع از حادثه به محل اعزام شدند و عملیات تعقیب عاملان آغاز شده است. بعدازظهر روز گذشته (دوشنبه) گروهک موسوم به «جیش‌العدل» مسئولیت حمله به ماشین مهندسان خط لوله آب در سرجنگل زاهدان را بر عهده گرفت. گروهک تروریستی‌ای که پایگاه اصلی آن در مرزهای شرقی ایران و پاکستان است و سابقه طولانی در عملیات علیه نیروهای امنیتی و پروژه‌های عمرانی دارد. این حمله بخشی از الگویی تکراری است که هدف آن اختلال در روند توسعه منطقه‌ای است و نه تنها امنیت فیزیکی مهندسان و کارکنان پروژه‌ها را تهدید می‌کند، بلکه با ایجاد رعب و وحشت سعی می‌کند انگیزه نخبگان برای ادامه پروژه‌های عمرانی را نیز کاهش دهد و منطقه را در وضعیت توسعه‌نیافتگی حبس کند.

چرابی هدف‌گذاری پروژهٔ انتقال آب

پروژه انتقال آب از سواحل مکران به زاهدان یکی از طرح‌های حیاتی توسعه‌ای برای تأمین آب شرب و کشاورزی در استان سیستان و بلوچستان است. این استان سال‌ها با بحران کم‌آبی، بی‌ثباتی معیشتی و فقر ساختاری مواجه بوده و هرگونه پروژه عمرانی که بتواند این شرایط را بهبود بخشد، نقش راهبردی در امنیت اقتصادی و اجتماعی منطقه دارد. پروژه انتقال آب چابهار – زاهدان، علاوه بر تأمین آب، یک طرح ژئواکونومیک است که می‌تواند توازن اقتصادی منطقه را تغییر دهد و به توسعه پایدار استان کمک کند. با این پروژه، زمینه برای رشد کشاورزی، کاهش مهاجرت و تقویت زیرساخت‌های محلی فراهم می‌شود و به‌نوعی امنیت اجتماعی و اقتصادی منطقه ارتقا می‌یابد. در کنار آن، توسعه بندر چابهار با عنوان «نگین شرق ایران»، امکان اتصال به کریدورهای تجاری بین‌المللی را فراهم می‌کند و اهمیت استراتژیک سیستان و بلوچستان را در معادلات اقتصادی و تجاری کشور افزایش می‌دهد.

بااین‌حال، اهمیت چنین پروژه‌هایی تنها به بعد اقتصادی محدود نمی‌شود. ایسن طرح‌ها می‌توانند پایه‌های اجتماعی و امنیتی منطقه را نیز تقویت کنند. پروژه‌های عمرانی با مشارکت مردم محلی و ایجاد فرصت‌های شغلی، نقش مؤثری در انسجام ملی و کاهش نارضایتی‌های اجتماعی دارند. درواقع، توسعه پایدار می‌تواند محرومیت و تبعیض را کاهش دهد و از این طریق جذابیت گروهک‌های تروریستی برای جذب نیرو را کم کند.

تروریسم علیه توسعه

حملات تروریستی اخیر، بخشی از استراتژی سیستماتیک گروهک‌های تروریستی برای مقابله با توسعه و حفظ وضعیت موجود در جنوب شرق ایران است. حیات این گروهک‌ها مستقیماً به ادامه فقر و محرومیت گره خورده است؛ زیرا توسعه اقتصادی و اجتماعی، پایه‌های ایدئولوژیک و جذب نیرو را تضعیف می‌کند. برای پیوستن به گروهک‌های تروریستی، انگیزه‌ای لازم است. یکی از بزرگ‌ترین انگیزه‌ها برای پیوستن به گروهک‌ها، ناشی از عدم توسعه‌یافتگی منطقه است. عدم توسعه، زمینه‌ساز نارضایتی اقتصادی و اجتماعی، افزایش حس تبعیض و فاصله طبقاتی، واگرایی از مرکز و درنهایت پیوستن به گروهک‌های تروریستی می‌شود. این انگیزه توسط خود گروهک‌ها ایجاد می‌شود. آنها با حملات



تروریستی، نه‌تنها پروژه‌های توسعه‌ای را متوقف می‌کنند بلکه می‌خواهند با این اقدامات تروریستی منطقه را به «کارخانه جذب تروریست» تبدیل کنند.

تاریخچه این رفتارها روشن است. در مهرماه ۱۳۸۸، ترور سردار نورعلی شوشتری، فرمانده قرارگاه قدس سپاه، نمونه‌ای بارز از مقابله گروهک‌ها با توسعه بود. سردار شوشتری طرحی برای تأمین امنیت استان توسط مردم محلی و محرومیت‌زدایی اجرا می‌کرد که شامل احداث بیمارستان‌های صحرایی و توسعه کشاورزی در روستاهای محروم بود. این اقدامات تهدیدی جدی برای گروهک جندالشیطان به رهبری عبدالملک ریگی بود. به همین دلیل، عامل انتحاری این گروهک با انفجار در همایش وحدت طوایف بلوچ، سردار شوشتری و چند رهبر محلی را به شهادت رساند تا مسیر

یک کارشناس مسائل امنیتی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

هدف از ناامنی‌های سیستان و بلوچستان، اجتماعی‌کردن تروریسم است

یکی از اهداف عملیات تروریستی در سیستان و بلوچستان به‌طورکلی طرد سرمایه‌گذاران و ممانعت از توسعه و پیشرفت استان است. وقتی مدام در یک منطقه عملیات تروریستی مسلحانه درگیری با نیروهای مختلف حافظ امنیت استان رخ می‌دهد، طبیعاً سرمایه‌گذاران آوردن سرمایه‌اش به آن منطقه احساس خطر می‌کند؛ اما در برخی موارد، تروریسم به شکلی مستقیم رودرویی پیشرفت و رفاه مردم می‌یستد و از آن جمله عملیات تروریستی دوروز پیش بود که علیه مهندسانی که مسئول پروژه انتقال آب چابهار به زاهدان بود، زمینه شام شد. در همین زمینه گفت‌وگویی با یک کارشناس امنیت منطقه انجام داده‌ایم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

گروهکی مزدور با چندین کارگزار خارجی

این کارشناس امنیت منطقه توضیح می‌دهد که جیش‌الظلم از لحاظ زیستی یک گروهک تروریستی با چندین ایجنٹ (کارگزار) با ادعای ایجاد تمدن بلوچی در کریدور جنوب شرقی است که باعث بسط نامنی به‌صورت فزاینده شده. این گروهک تروریستی در سال‌های اخیر به دلیل حمایت ۱۱ سرویس اطلاعاتی خارجی و متخاصم از آن، به‌تدریج رشد ژئتیکی کرده و امروز یک گروهک خصوصی کوچک با ویژگی‌های مزدوری است. نکته قابل توجه آنکه این گروهک باوجود بازرگاری بالا (دریافت کمک‌های لجستیکی و تسلیحاتی) از سوی دشمنان، به‌هیچ‌عنوان اجتماعی نشده و توانایی جذب از درون را نداشته است، به عبارتی جیش‌الظلم باوجود حجم بالای تبلیغ و استفاده از شبکه سایبری، حتی در جذب معدود نیرو از داخل کشور ناکام بوده و مجبور است مزدور خارجی استخدام کند.

در خنایات اخیر این گروهک بررسی‌ها نشان می‌دهد که کارهای این تشکیلات غیرایرانی بوده و شامل اتباعی از برخی کشورهای همسایه، آسیای میانه و حتی تروریست‌هایی است که اخیراً در جنگ سوریه به‌مورد استفاده قرارگرفته‌اند.

به‌عنوان مثال عبدالرحمان قنچی، مسئول میز ایران در رژیم جولانی که سابقه عضویت نیز در گروهک تروریستی «جیش مهاجرین اهل سنت ایران» را داشته برای این گروهک در مرزبوکمال‌یارگیری کرده و با پرداخت مبالغی به‌صورت روزهانه از ۲۰۰ دلار به بالا مزدور خارجی استخدام کرده است. این افراد پس از جذب به پاکستان ترانسفر شده و مورد استفاده جیش‌الظلم در عملیات تروریستی بوده‌اند.

جیش‌الظلم و نداشتن مرجعیت اجتماعی

او در ادامه با اشاره به ضعف تروریست‌های آن منطقه در جذب حمایت مردمی می‌گوید: «به این نکته نیز باید توجه کرد که گروهک جیش‌الظلم از لحاظ تشکیلاتی به‌صورت سانترالیک اداره می‌شود. این مدل زیستی که به‌صورت تبلیغی نتواند جذب و یاگیری انجام‌دهد مجبور است با استفاده از «ترورهای اجتماعی» به حیات خود ادامه بدهد، ازاین‌رو حمله به بندر چابهار، تخریبات راهسازی و نیز مورد آخر در پروژه راه‌آبرسانی رایباد از این‌زویه تحلیل و بررسی

توسعه استان را متوقف کند. عملیات تروریستی داغش در تهران در سال ۱۳۹۶ نشان داد که بسیاری از عاملان از مناطق محروم جذب شده بودند. سیستان و بلوچستان نیز یکی از کم‌برخوردارترین استان‌های کشور است و گروهک‌های تروریستی با جلوگیری از توسعه این استان، شرایط فقر و محرومیت را حفظ کرده و از آن به‌عنوان اهرم جذب نیرو استفاده می‌کنند.

سابقهٔ تروریسم ضد توسعه در جنوب شرق

حملات تروریستی در شرق ایران، غالباً با هدف مهار توسعه و بهره‌برداری از فقر و محرومیت انجام شده‌اند. در فروردین ۱۴۰۲، حملات گروهک تروریستی جیش‌الظلم به چابهار و راسک، تنها چند روز پس از تش‌های دیپلماتیک ایران با رژیم صهیونیستی رخ

اما برخی زیرساخت‌ها مثل تونل‌ها به طور عمده سالم مانده و مقاومت در جین جنگ نیز به توسعه و ترمیم آن‌ها پرداخته است.

۲. یکی از طراحی‌های مقاومت حرکت از غزه و لبنان برای اتصال به کرانه است. این طراحی در عملیات ۷ اکتبر به اجرا درآمد که شاید دلیل آن هماهنگ‌نشدن اقدام با لبنان برای عملیات هم‌زمان بوده؛ زیرا غزه برای اجرای آن توان کافی نداشت. براین‌اساس رژیم صهیونی می‌کوشد نیروی قابل توجهی در کرانه شکل نگیرد تا در صورت حملات همه‌جانبه قادر به جمع‌شدن با آن‌ها در درون فلسطین باشد.

۳. راه‌اندازی جنگ علیه مقاومت در خارج از فلسطین اشغالی با خطر بالای حملات همه‌جانبه همراه است.

۴. تمام معضل فلسطین برای صهیونیست‌ها ناشی از حمایت‌های خارجی از آن نیست. مقاومت فلسطینی همواره در قالب‌های مختلف وجود داشته است. به‌زعم صهیونیست‌ها آنچه در هر نقطه باعث اتمام تحرکات شده، نه قطع ارتباطات خارجی بلکه اخراج کامل جمعیتی بوده است. ازاین‌رو اخراج فلسطینی‌ها از کرانه هدف فراموش‌نشدنی صهیونیست‌هاست.

۵. رژیم صهیونی در حال حاضر با دو لایه مشکل روبه‌روست. لایه بیرونی با تقویت قدرت ایران در منطقه مرتبط است؛ زیرا این قدرت در شرایطی می‌تواند باعث خنثی‌شدن حمایت آمریکا از رژیم صهیونی شود. در درون اما اصلی‌ترین معضل، احتمال حرکت به سمت راهکار دودولتی است. جنگ غزه این راهکار را پررنگ کرده است. اگر راهکار دودولتی در دستور کار قرار گیرد، رژیم صهیونی انعکاسی منطقه‌ای نخواهد داشت تا برای گسترش آن با ایران سرشاخ شود. براین‌اساس جلوگیری از تسهیل روند دودولتی و مظاهر آن در مقطع کنونی فوری‌ترین هدف صهیونیست‌هاست.

۶. رژیم صهیونی در برابر فعالیت‌ها در غزه و کرانه باختری تاب‌آوری بیشتری در قیاس با جنگ علیه لبنان و ایران نشان داده است. جنگ علیه غزه دو سال، علیه لبنان ۶۶ روز و ضد ایران تنها ۱۲ روز به طول انجامید. گرچه در جنگ با ایران فاصله‌ای هزارکیلومتری وجود داشت و زمینه جنگ زمینی همانند غزه و لبنان فراهم نبود، اما بااین‌حال تل آویو نتوانست بیشتر از ۱۲ روز با تهران بجنگد.

داد و ۱۰ نیروی امنیتی در این عملیات شهید شدند.

در ۱۵ آذرماه ۱۳۹۷ گروهک تروریستی موسوم به «انصارالفرقان» با بمب‌گذاری انتحاری در چابهار دو نفر را به شهادت رساند و ۴۸ نفر دیگر را زخمی کرد. یورونیوز در گزارشی با اشاره به اهمیت اقتصادی چابهار نوشت این بندر، باوجود تحریم‌های گسترده آمریکا علیه ایران، می‌تواند به‌عنوان یکی از تنفس‌گاه‌های تجاری و اقتصادی کشور عمل کند. این خبرگزاری تأکید کرد حمله‌کنندگان نیز از اهمیت استراتژیک این منطقه آگاه بوده و هدف اصلی‌شان، نام‌سازی چابهار بوده است. یورونیوز در توضیح چرابی هدف قرارگفتن چابهار نوشت بندر «شهید بهشتی» توانسته است از تحریم‌های آمریکا جان سالم به در برده و برای هند، افغانستان، پاکستان و کشورهای آسیای میانه اهمیت ویژه اقتصادی دارد. از مسیر این بندر، ایران به بازارهای شرق آسیا، آسیای میانه، قفقاز حتی جنوب آفریقا دسترسی پیدا می‌کند. همچنین، پس از جنگ اوکراین و اعمال تحریم‌ها علیه روسیه، چابهار که در مسیر کریدور شمال – جنوب قرار دارد، اهمیت استراتژیک خود را بیش ازپیش افزایش داده است.

وقایع تروریستی در این منطقه، علاوه بر آثار امنیتی، پیامدهای اقتصادی ملموسی نیز دارند؛ ازجمله فرار سرمایه، کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تخریب زیرساخت‌ها و هدایت منابع عمومی به سمت تأمین امنیت به‌جای توسعه یا تجارت. به‌این‌ترتیب حملات تروریستی، هم بر روند توسعه اقتصادی و تجاری منطقه تأثیر می‌گذارند و هم پتانسیل سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را محدود می‌کنند. بنابراین هدف این حمله، ناامن‌سازی منطقه و جلوگیری از بهره‌برداری از بندر شهید بهشتی بود. بندری که از تحریم‌های آمریکا معاف شده و نقش مهمی در دسترسی ایران به بازارهای شرق آسیا، آسیای میانه و جنوب آفریقا دارد. این الگو نشان می‌دهد تروریست‌ها نه‌تنها با اقدامات خشونت‌آمیز، توسعه را متوقف می‌کنند، بلکه بودجه و منابع عمومی را نیز به سمت مسائل دیگر هدایت می‌کنند و به‌این‌ترتیب، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی استان را محدود می‌کنند. البته به‌تازگی این بندر از لیست معافیت‌های تحریمی آمریکا خارج شده است.

چرخهٔ جذب نیرو

تروریسم ضد توسعه، پیامدهای گسترده‌ای برای منطقه دارد. عدم توسعه باعث نارضایتی اقتصادی و اجتماعی، افزایش حس تبعیض و فاصله طبقاتی و درنهایت واگرایی از مرکز می‌شود. این شرایط، زمینه جذب نیرو برای گروهک‌های تروریستی را فراهم می‌کند. با ادامه پروژه‌های توسعه‌ای، پایه‌های این چرخه سست می‌شود. ادامه پروژه انتقال آب چابهار – زاهدان، علاوه بر تأمین آب و امنیت اجتماعی، می‌تواند شرایط فقر را و محرومیت‌ا را کاهش دهد و مانع از ادامه محرومیت در این مناطق شود. همان‌طور که تجربه گذشته نشان داده، ایجاد فرصت‌های شغلی، ارتقای زیرساخت‌ها و مشارکت مردم محلی، بهترین راه برای کاهش انگیزه جذب به گروهک‌های تروریستی است.

مقابله با گروهک‌های تروریستی نیازمند رویکرد چندجانبه است. تقویت امنیت، سرمایه‌گذاری در توسعه محلی، مشارکت مردم و آگاهی‌بخشی به جامعه ازجمله اقداماتی هستند که می‌توانند این تهدید را کاهش دهند. پروژه‌های توسعه‌ای مانند انتقال آب چابهار – زاهدان، نه‌تنها بحران کم‌آبی را حل می‌کنند، بلکه پایه‌های تروریسم را نیز سست می‌کنند. زبان قدرت و اراده قاطع، تنها روشی است که گروهک‌ها آن را می‌فهمند. اجازه ندادن به تروریست‌ها برای گروگان گرفتن آینده منطقه، نیازمند پیشروی در پروژه‌های توسعه‌ای و پایبندی به سیاست‌های مستمر و پایدار است. با تحقق چنین برنامه‌هایی علاوه بر تأمین امنیت منطقه، فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی برای مردم محلی افزایش پیدا می‌کند و زمینه جذب نیرو توسط گروهک‌ها از بین می‌رود.

فرهیختگان

فرهیختگان

چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴

شماره ۴۵۳۱

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE